

تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه*

سیدامیر طالبیان^{۱*}، محمد فاضلی^۲، عقیل دغاقله^۳

۱ دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

۲ دکتری جامعه‌شناسی و استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی

(تاریخ دریافت ۸۶/۶/۲۱، تاریخ تصویب ۸۷/۲/۲۳)

چکیده

احداث تأسیسات صنعتی بزرگ و توسعه صنعتی بدون در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن، می‌تواند پی‌آمدهای ناخواسته فراوانی به دنبال داشته باشد. مقاله حاضر با بررسی توصیفی وضعیت منطقه عسلویه، قبل و بعد از احداث تأسیسات صنعتی، نشان می‌دهد که فقدان رویکرد اجتماعی به توسعه چه عواقب ناگواری برای زندگی اجتماعی محلی داشته و توسعه پایدار در این منطقه را نیز با دشواری مواجه می‌سازد. این مقاله با پیروی از چارچوب مفهومی «تحلیل تأثیر اجتماعی» و با استفاده از تحقیق پیمایشی و بهره‌گیری از روش‌های کیفی در دو جامعه آماری ساکنان بومی عسلویه و کارگران غیربومی شاغل در منطقه انجام شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که آسیب‌های فراوانی در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی در منطقه بروز کرده و در اکثر ابعاد بررسی شده این منطقه با معضلات جدی روبروست. به علاوه شواهد نشان می‌دهد اجتناب کردن از این مشکلات در صورت داشتن رویکردی اجتماعی و فرهنگی و برنامه‌ریزی فرابخشی امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: توسعه صنعتی، تأسیسات نفت و گاز، تحلیل تأثیر اجتماعی، عسلویه، پارس

جنوبی، توسعه پایدار.

*. این مقاله بر مبنای تحقیقی با عنوان توسعه صنعتی و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در حوزه پارس جنوبی که در سال ۱۳۸۴ به سفارش وزارت نفت، توسط نویسندگان مقاله و از طرف انجمن جامعه‌شناسی ایران در منطقه پارس جنوبی انجام شد، نوشته شده است.

E-mail: Talebian@iies.net

** نویسنده مسؤول: تلفن ۰۹۱۲-۶۱۵۴۰۰۲

مقدمه

ایران کشوری در حال توسعه است که دائماً پروژه‌های اقتصادی گوناگون در مناطق مختلف آن اجرا می‌شود. غالب این پروژه‌ها نظیر احداث سدها، ساخت جاده‌ها، طرح‌های آبیاری و زهکشی و احداث کارخانجات صنعتی در مقیاس وسیع و توأم با تأثیرات اجتماعی و فرهنگی شدید در مناطق مختلف آغاز و اجرا می‌شوند. ملاحظه نکردن شرایط پایداری اجتماعی و فرهنگی پروژه‌های توسعه سبب می‌شود تا زندگی سالم ساکنان مناطق اجرای این طرح‌ها و هم‌چنین توسعه پایدار با خطر مواجه شود.

عسلویه در استان بوشهر یکی از مناطقی است که در ظرف کمتر از ۱۰ سال سرمایه‌گذاری صنعتی گسترده‌ای در آن انجام شده و به علل مختلف، ملاحظات اجتماعی و فرهنگی در احداث تأسیسات صنعتی رعایت نشده است. مقاله حاضر که بیشتر وجهی توصیفی داشته و بیان یک مورد تجربه توسعه بدون ملاحظه معیارهای اجتماعی و فرهنگی را مد نظر دارد، ضمن تشریح شرایط عسلویه قبل و بعد از اجرای فرایند توسعه صنعتی در آن، می‌کوشد تا نشان دهد که معیارهای توسعه پایدار در فرایند توسعه صنعتی این منطقه رعایت نشده است. این مقاله در عین حال که از رویکرد توصیفی استفاده می‌کند، می‌تواند در کل تبیینی برای ناپایداری اقدامات توسعه‌ای و بروز توسعه نامتوازن در شرایط کشورهای نظیر ایران ارائه دهد.

این مقاله بر مبنای پژوهشی با رویکرد کلی «تحلیل اثر اجتماعی»^۱ نگاشته شده است. از همین رو پیش از پرداختن به مباحث تجربی، لازم است دیدگاه کلی تئوریک مقاله (فرهنگ‌گرایی در توسعه) و آنچه که در این دیدگاه بررسی می‌شود (شاخص‌های تحت بررسی در تحلیل تأثیر اجتماعی) معرفی شود. هم‌چنین لازم است تا بحثی درباره پیش‌شرط‌های پایداری پروژه‌های توسعه در این جا ذکر شود تا در انتها بر مبنای آن بتوانیم تجربه توسعه صنعتی در عسلویه را از نظر برخی پایداری‌ها بررسی کنیم.

فرهنگ‌گرایی در توسعه

تا دو دهه پیش اصلی‌ترین رویکرد برای بررسی مسائل توسعه، اقتصاد توسعه بود؛ آن هم نوعی برداشت از اقتصاد که فارغ از نقش نهادها و تأثیرات خاص تاریخ اجتماعی و فرهنگی به تحلیل متغیرهای مؤثر بر توسعه اقتصادی می‌پرداخت. هنوز هم کمابیش چنین رهیافتی بر ادبیات و اقدامات توسعه در کشورهای در حال توسعه حکم فرماست. حال آن‌که هر طرح توسعه و هر اقدام توسعه‌ای در

ارتباطی تعاملی با مجموعه شرایطی قرار دارد که زمینه اجتماعی و فرهنگی محیط برای آن فراهم می‌آورد؛ و از سویی بنا به اندازه و ماهیت پروژه، تأثیراتی بر محیط اجتماعی خود بر جای می‌گذارد. طرح‌های توسعه صنعتی و کشاورزی غالباً پرهزینه‌اند و با ساخت‌شان منطقه وسیعی تحت تأثیر اثرات مثبت یا منفی آن‌ها قرار می‌گیرند. در جریان ساخت و پس از راه‌اندازی و شروع به کار تأسیسات صنعتی، منطقه وسیعی از مناطق مسکونی که متعلق به مردمان بومی منطقه است تحت تأثیر امکانات تأسیس شده در منطقه (اعم از راه‌ها، آلودگی زیست‌محیطی، ورود نیروی کار غیربومی، گسترش روابط تجاری در منطقه و تأثیر آن بر اقتصاد خانوار، ملاحظات امنیتی، تغییر در نظام معیشت و ...) قرار می‌گیرد. گاهی اوقات احداث این تأسیسات نیازمند انتقال مردم به مکانی دیگر برای زندگی (اسکان مجدد) و هم‌چنین در نظر گرفتن نظام معیشتی جدیدی برای ایشان است (سرنی، ۱۹۹۷). به همین نسبت، سرنوشت پروژه و میزان موفقیت آن در رسیدن به اهدافش نیز تحت تأثیر محیطی است که پروژه در آن اجرا می‌شود.

این‌گونه پروژه‌ها برای موفق شدن به همکاری نیروی کار محلی، همکاری مردم محلی در واگذاری زمین، اعتماد مردم به اقدامات توسعه‌ای برنامه‌ریزی شده و انجام شده، تشکیل سازمان‌های محلی برای مدیریت وضعیت جدید، جذب نیروهای متخصص برای بالا بردن سطح دانش موجود در منطقه و ارتقای سطح بهره‌وری اقتصادی و آماده‌سازی منطقه برای ایجاد تحول در ساختار اقتصادی و اجتماعی، تحول ساختار اجتماعی منطقه برای پذیرش الگوهای جدید زندگی، کار و روابط اقتصادی و اجتماعی، و در نظر گرفتن ملاحظات برای تضمین توسعه پایدار در آینده نیاز دارند. به عبارتی، موفقیت این‌گونه پروژه‌ها به زمینه‌سازی برای ایجاد تحولی همه‌جانبه در ساختار زندگی اقتصادی و اجتماعی وابسته است. بر همین اساس می‌توان گفت، مردم به میزانی با این پروژه‌ها همکاری می‌کنند که منافع ناشی از آن‌ها برای‌شان قابل لمس و معنادار باشد. به علاوه، چشم‌انداز روشنی از پایداری منافع طرح وجود داشته باشد.

تلاشی که برای اصلاح «اقتصادگرایی» صورت گرفته، تحت عنوان «فرهنگ‌گرایی در توسعه» شناخته می‌شود. به‌طور خلاصه، این رویکرد می‌کوشد تا بفهمد یک طرح توسعه در چه محیطی در حال اجراست؟ اثرات احتمالی آن بر زندگی اجتماعی مردمی که در حوزه تحت تأثیر پروژه قرار دارند چیست؟ نظام روابط اجتماعی، الگوهای معیشت، ساختار مالکیت و اسکان مردم تحت تأثیر پروژه چه تغییری می‌پذیرد؟ چه کسانی منافع ناشی از اجرای پروژه را کسب می‌کنند و چه کسانی از آن ضرر

می‌کنند؟ اجرای طرح سبب ایجاد مقاومت چه کسانی در برابر آن می‌شود؟ برای حداکثر کردن سود طرح برای مردم محلی و حداقل کردن زیان‌های آن چه باید کرد؟ اثرات این طرح بر محیط طبیعی چیست؟ هویت فرهنگی و تاریخی یک منطقه یا حتی یک کشور چگونه تحت تأثیر یک اقدام توسعه‌ای قرار می‌گیرد؟ در اثر تعامل میان محیط اجتماعی موجود و شرایط احتمالی بر اثر اجرای پروژه توسعه، سرنوشت نهایی پروژه چه خواهد بود؟ و پایداری زندگی در یک منطقه چگونه بر اثر شروع اقدامات توسعه‌ای تهدید می‌شود؟ در دیدگاه توسعه فرهنگ‌گرا، شروطی برای کاستن از عوارض منفی اجرای طرح‌های توسعه در نظر گرفته می‌شود که می‌توان آن‌ها را شروط پایداری توسعه خواند.

شروط پایداری طرح‌های توسعه

شروط پایداری طرح‌های توسعه متعدد است اما از آن‌جا که ما در این مقاله به سه صورت پایداری - پایداری اجتماعی، پایداری مشارکت محلی، پایداری انسانی - نظر داریم، درباره بقیه آن‌ها بحث نخواهیم کرد.^۱

۱. جلب مشارکت محلی: مشارکت مردم محلی شامل همه مراحل ساخت، راه‌اندازی و نگهداری و تعمیرات پروژه می‌شود. اگر پروژه بر اساس روال‌های جلب رضایت مردم منطقه برنامه‌ریزی شود و در کوتاه‌مدت منافع قابل ملاحظه‌ای برای کلیه اقشار اجتماعی در بر داشته باشد و در درازمدت نیز چشم‌اندازی از منافع پایدار برای مردم محلی فراهم سازد، می‌تواند عاملی برای جذب مشارکت محلی باشد. به عقیده پیچوتو مشارکت را باید مکمل حیاتی اقدامات اقتصادی کلان دانست (پیچوتو^۲، ۱۹۹۲). بر اساس تعریفی از بانک جهانی، مشارکت فرایندی است که در خلال آن، افرادی که تحت تأثیر پروژه قرار می‌گیرند، در جهت‌دهی و اجرای طرح‌های توسعه دخیل‌اند و چنان نیست که فقط سهمی از منافع طرح را دریافت کنند (دیویس و وایتینگتون^۳، ۱۹۹۸: ۷۳). به تعبیری دیگر، فرایندی فعال است که از طریق آن بهره‌برداران علاوه بر سهم شدن در منافع طرح، بر جهت‌گیری و اجرای آن نیز تأثیر می‌گذارند (پاول^۴، ۱۹۸۷).

۲. پایداری انسانی: به این معناست که نیروی انسانی مناسب برای اجرای پروژه و رسیدن به

۱. صورت‌های دیگر پایداری که مهم هستند عبارتند از پایداری زیست‌محیطی، پایداری اقتصادی و پایداری سیاسی-امنیتی. ممکن است طبقه‌بندی‌های دیگری نیز از انواع پایداری ارائه شود.

2. Picciotto
3. Davis & Whittington
4. Paul

تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه سلوبه

اهداف برنامه‌ریزی شده آن در درازمدت در دسترس است. بالاخص تضمین آن‌که در درازمدت نیروی انسانی‌ای وجود دارد که قادر است تغییرات فنی ایجاد شده در سطح منطقه را درک کرده و فرصت‌های ایجاد شده را برای اهداف توسعه‌ای به کار بگیرد.

در مبحث پایداری انسانی - خصوصاً در طرح‌های ملی - باید از دو منظر نیروی انسانی بومی و نیروی انسانی غیربومی که احتمالاً به منطقه عزیمت می‌کنند نگریست. غالباً پروژه‌های اقتصادی ملی از پیچیدگی و سطحی از تخصصی بودن برخوردار هستند که نیروهای محلی قادر به تأمین نیروی انسانی کار نیستند. لذا در درازمدت، در صورتی که تحولی در ساختار نیروی کار منطقه رخ ندهد و زمینه برای تحول ساختار مهارت‌های نیروی انسانی در منطقه آماده نشود، تأمین نیروی انسانی متخصص دشوار می‌شود. این موضوع بالاخص در مناطقی که آب و هوای نامساعدی دارند یا زندگی در آن‌ها برای غیربومیان دشوار است، کاملاً اهمیت دارد.

۵. پایداری اجتماعی: پایداری اجتماعی به این معناست که تغییرات ناشی از پروژه سبب به هم ریختن امنیت اجتماعی، تخریب روابط اجتماعی سالم، ایجاد آسیب‌های اجتماعی، افزایش فاصله‌های طبقاتی، اثرات نامناسب ناشی از برهم خوردن نظم اقتصادی منطقه در جهات نامطلوب و تبعیض علیه گروه‌های حاشیه‌ای و ضعیف نمی‌شود. غالباً پروژه‌های توسعه سبب ایجاد منافع اقتصادی برای گروه‌های خاصی می‌شوند. این گروه‌ها کسانی هستند که از قبل نیز مزیت‌هایی در منطقه داشته‌اند (مثلاً زمین زیادی دارند، در نزدیکی پروژه قرار گرفته‌اند یا تحصیلات بیشتری دارند). بی‌توجهی به این مسائل به شکاف طبقاتی در منطقه اجرای پروژه دامن می‌زند. هم‌چنین، ورود تعداد زیادی نیروی کار غریبه - بالاخص در مناطقی که از قبل فاقد امکانات گسترده شهری هستند - امنیت اجتماعی و اقتصادی منطقه را تهدید می‌کند. تورم ناشی از بالا رفتن تقاضای کالا و خدمات، بالا رفتن پتانسیل جرم، افزایش ترافیک و حمل و نقل و ... سبب می‌شود که پایداری اجتماعی تهدید شود.

تحلیل تأثیر اجتماعی

تعاریف مختلفی از «تحلیل اثر اجتماعی»^۱ وجود دارد اما تعریف «کمیته بین‌سازمانی راهبردها و اصول تحلیل اثر اجتماعی»^۲ (کمیته بین‌سازمانی، ۱۹۹۵: ۱۲) بسیاری از جوانب این مفهوم را آشکار می‌سازد: «تلاش برای ارزیابی و برآورد کردن پی‌آمدهای اجتماعی‌ای که ممکن است از اقدامات و

1. Social Impact Assessment

2. Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment

سیاست‌های خاص (از جمله برنامه‌ها و اجرای سیاست‌های جدید) و اجرای برنامه‌های دولتی مشخص (از جمله اختصاص دادن زمین‌های زیاد به پروژه‌های استحصال منابع طبیعی) ناشی شوند. تحلیل اثر اجتماعی خوانده می‌شود. در نسخه‌ای دیگر از گزارشی که توسط کمیته فوق منتشر شده آمده است «منظور از تأثیرات اجتماعی هر گونه عواقب ناشی از اقدامات بخش عمومی و خصوصی است که شیوه زندگی، کار، برقراری ارتباط، شیوه تأمین نیازمندی‌ها و نوع غلبه مردم بر مشکلات زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (کمیته بین‌سازمانی، ۱۹۹۴: ۱). نیاز به ارزیابی تأثیر اجتماعی نتیجه شناخت پیچیدگی اجتماعات انسانی و فهم این مطلب است که نتایج منفی و ناخواسته مداخلات ممکن است سنگین‌تر از نتایج مثبت آن باشد (وسترن و لینچ^۱، ۲۰۰۰: ۳۵). یکی از کارکردهای اصلی ارزیابی تأثیر اجتماعی پیش‌بینی اثرات انواع تغییرات تعریف شده بر روی اجتماعات انسانی است. این پیش‌بینی‌ها تصمیم‌گیران را قادر می‌سازد تا مزایا و خوبی‌های مداخلات جایگزین و آلترناتیو را بررسی کنند. (بارج و رابرتسون^۲، ۱۹۹۸: ۱۸۹؛ کارلی و باستیلو^۳، ۱۹۸۴: ۷).

فرایند اجرای تحلیل اثر اجتماعی

برداشت‌های متفاوتی از روش‌شناسی یا فرایند کلی تحلیل اثرهای اجتماعی وجود دارد، اما مراحل زیر فصل مشترک همه این برداشت‌ها را در بر می‌گیرد.

۱. تعیین دامنه ارزیابی. هدف از این بخش، تعیین مقولات و گروه‌های هدف نیازمند بررسی و تعیین مرزهای مطالعه است.
۲. توصیف شرایط اجتماعی. هدف این بخش به دست دادن تصویری از شرایط اجتماعی موجود در جامعه و ارائه داده‌های پایه‌ای است که بتوان تأثیر تغییرات احتمالی را بر مبنای آن‌ها سنجید.
۳. پیش‌بینی پی‌آمدهای اجتماعی یا تغییراتی که ممکن است بر اثر اجرای پروژه پدید آیند.
۴. برآورد میزان اهمیت تغییرات پیش‌بینی شده.

1. Western & Lynch
2. Burdge & Robertson
3. Carely & Bustelo

۴. تحلیل تأثیر اجتماعی اصولاً باید قبل از اجرای پروژه‌های توسعه انجام شود لیکن در مواردی بعد از اجرای پروژه و برای برآورد کردن تأثیرات ایجاد شده و یافتن راه‌هایی برای حل مشکلات پیش آمده انجام می‌شود. تحقیقی که این مقاله بر مبنای آن نوشته شده از همین مطالعات تحلیل تأثیر اجتماعی پس از اجرای پروژه بوده است.

5. Scoping
6. Profiling
7. Prediction

۵. ارزیابی^۲ گزینه‌های جایگزین.

۶. تشخیص شیوه‌های مدیریت کردن، کاستن و ارزیابی تأثیرات منفی احتمالی (یا ارتقای تأثیرات مثبت احتمالی).

۷. تنظیم پیشنهادهایی برای مدیریت تأثیرات احتمالی به نحوی که اعمال آن‌ها شرط تأیید پروژه باشد.

در تحلیل تأثیر اجتماعی باید درباره این‌که چه مطالبی ضروری و مفیدند و چه سطحی از اطلاعات نیاز است تصمیم گرفته شود. غالباً در گزارش‌هایی که قبلاً تهیه شده می‌توان اطلاعات کافی به دست آورد، با این حال ارقام اطلاعاتی زیر مفید است.

۱. اطلاعات آماری درباره ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی.

۲. اطلاعات کیفی درباره ارزش‌ها و کیفیت زندگی اجتماع.

۳. اطلاعات درباره مشخصات، امکانات و منابع اجتماع محلی.

۴. اطلاعاتی درباره ظرفیت و توانایی‌های سازمان‌های حکومتی مستقر در محل.

غالباً از روش‌هایی نظیر توصیف ساده، مشاهده اجتماع محلی از نزدیک، بررسی فایل‌های آماری، پیمایش، بررسی گزارش‌های دولتی، یا از مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی قبلی برای به دست آوردن این اطلاعات استفاده می‌شود. پیش‌بینی پی‌آمدهای پروژه نیز بر مبنای اطلاعات پایه جمع‌آوری شده در مرحله توصیف شرایط اجتماعی، و مقایسه با آن‌چه در پروژه‌های مشابه رخ داده انجام می‌گیرد. مقایسه میان نیازهای جامعه، قبل و بعد از اعمال تغییرات، می‌تواند گامی به سوی پیش‌بینی تغییرات احتمالی باشد. فرآیند پیش‌بینی معمولاً در بر دارنده راهبردهایی برای کاستن از عواقب ناخوشایند پروژه و تقویت ابعاد مثبت آن است.

کاربرد اصلی این روش را می‌توان در زمینه‌های: ۱- ارزیابی اثرات تکنولوژی جدید، ۲- ارزیابی پروژه‌های توسعه نظیر سدها، جاده‌ها، نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها، و ۳- ارزیابی طرح‌های زیست‌محیطی، دانست. برخی شاخص‌های مهم مورد استفاده در ارزیابی تأثیرات اجتماعی عبارتند از: نيمرخ اجتماعی (حجم جمعیت، رشد جمعیت، میزان مهاجرت، ساختار سنی، ساختار جنسی، ساختار شغلی، میزان ازدواج، توزیع ثروت، سطح تحصیلات، وضع مالکیت منزل، و سطح درآمد)؛ امکانات و خدمات (دسترسی به برق، دسترسی به آب سالم، وضعیت جاده‌های ارتباطی، برخورداری از خدمات

1. Assessment

2. Evaluation

دستگاه‌های اداری، بیمارستان و مراکز بهداشتی، کتابخانه‌های عمومی، مدارس، بانک، مراکز پست، دسترسی به تلفن، مساجد و حسینیه‌ها، پاسگاه انتظامی، مغازه‌ها و فروشگاه‌ها، مراکز ورزشی، و مراکز هنری و فرهنگی؛ سرمایه اجتماعی (میزان روابط اجتماعی، تنوع و گستردگی شبکه‌های خانوادگی و دوستانه، مشارکت در مراسم محلی، میزان ارتباط بین گروه‌های اجتماعی مختلف، وجود انجمن‌های داوطلبانه، میزان عضویت و مشارکت افراد در این انجمن‌ها، اعتماد اجتماعی، و حس همکاری متقابل)؛ انفکاک اجتماعی^۱ (نرخ بیکاری، الکلیسم، اعتیاد، سرقت، فرار از خانه، خشونت خانوادگی، ناامنی، ارتشاء و فساد اداری، و طلاق شاخص‌های انفکاک اجتماعی به شمار می‌روند).

در مجموع می‌توان سه اصل را بر تحلیل تأثیر اجتماعی حاکم دانست. این اصول به ما کمک می‌کنند تا ماهیت این‌گونه پژوهش‌ها را بیشتر و بهتر درک کنیم.

۱. این تحقیقات به این نکته توجه می‌کنند که اگر درست عمل می‌شد، چقدر بهبود در وضعیت زندگی مردم و منافع ناشی از پروژه قابل تصور بود. بنابراین، این پژوهش‌ها به این تحلیل که در واقعیت، اجرای پروژه سبب چقدر بهبود در زندگی مردم شده است قانع نمی‌شوند.

۲. هدف این‌گونه تحقیقات، توانمندسازی است. به عبارتی می‌خواهیم بدانیم چگونه می‌توان مردم محلی، فقرا یا یک منطقه را تقویت کرد و در عین حال از برخی یا عمده آسیب‌های ناشی از توسعه صنعتی دور ماند.

۳. این تحقیقات جانبدارانه هستند به این معنا که سعی می‌کنند راه‌های جلوگیری از آسیب رسیدن به آسیب‌پذیرها را بررسی کنند. در ضمن، برای آنها مهم است که پایان فرایند توسعه چه خواهد بود و چه کسانی از اجرای پروژه‌ها سود یا زیان می‌کنند. حتی تأثیرات زیباشناختی پروژه‌ها بر محیط انسانی و طبیعی نیز برای این پروژه‌ها اهمیت دارد.

روش تحقیق

این تحقیق در منطقه پارس جنوبی و به دو شیوه کمی و کیفی؛ و با این هدف که داده‌های لازم برای تحلیل تأثیر اجتماعی و بررسی شروط پایداری طرح‌های توسعه به دست آید، انجام شده است. در بخش کمی از روش پیمایشی و در بخش کیفی از مصاحبه، مشاهده مشارکتی و بررسی برخی اسناد استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش در بخش پیمایشی، تمامی شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در دو شهر عسلویه و نخل تقی و هم‌چنین ۸ روستای این منطقه است. در این پژوهش با

1. Social Fragmentation

بهره‌گیری از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۷ نفر برآورد گردید که با در نظر گرفتن احتمال ریزش و همچنین به‌لحاظ دیگر خطاهای ممکن در امر پژوهش، حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. برای نمونه‌گیری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده گردید.

جهت پاسخگویی به این سؤال که وضعیت منطقه قبل از ورود صنعت به چه شکلی بود، از روش کیفی بهره گرفته شد که در طی آن، ضمن مشاهده منطقه با ۷۰ نفر از شهروندان، کارگران، مسئولان اجرایی و عملیاتی پروژه‌های صنعتی و مسئولان محلی مصاحبه شد. آمارهای موجود نیز برای مشخص کردن وضع منطقه قبل از ورود صنعت استفاده شده‌اند. همچنین در ارزیابی پی‌آمدهای اجتماعی اجرای پروژه از روش پیمایشی و روش کیفی بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

عسلویه قبل از ورود صنعت

قبل از ورود صنعت، جمعیتی نزدیک به ۳۰ هزار نفر در کل منطقه و با مرکزیت دو بخش «نخل تقی» و «عسلویه» و در ۲۱ مرکز روستایی زندگی می‌کرده است. ۱۱۷۵۰ نفر در سال ۱۳۷۵ در بخش عسلویه سکونت داشته‌اند. متوسط اندازه خانوار در این منطقه برای خانوارهای ایرانی ۶ و برای خانوارهای غیر ایرانی ساکن منطقه ۶/۵ نفر است. بخشی عمده جمعیت منطقه عرب و سنی‌مذهب هستند. در این میان، عمده جمعیت نخل تقی سنی هستند و روستای بیدخون که بزرگ‌ترین روستا نیز محسوب می‌شود، تنها روستایی است که عمده ساکنان آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. جمعیت منطقه به لحاظ میزان سواد و دارا بودن مهارت‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازمندی‌های پروژه‌های صنعتی‌ای که در منطقه اجرا شده‌اند، در سطح بسیار پایینی قرار داشته است.

کشاورزی، دامداری و تجارت از راه دریا و به تبع آن کار کردن روی کشتی‌ها و لنج‌هایی که وسیله حمل و نقل دریایی بوده‌اند قبل از وارد شدن صنایع به منطقه، اصلی‌ترین راه‌های تأمین معیشت مردم محلی بوده است. گوجه، خرما، برخی مرکبات، سیفی و سبزیجات عمده‌ترین محصولات است که کشت می‌شده‌اند. دامداری نیز به صورت کاملاً روستایی و مبتنی بر چرای دام‌ها در مراتع منطقه انجام می‌شده است. سفر به کشورهای خلیج و تجارت کالاهای مختلف نیز راهی برای کسب معیشت بوده است.

بنا به اظهار نظر مردم محلی و آمارهای مراجع رسمی^۱ کلیه مسئولین و مقامات منطقه، پیش از

۱. آمارهای نیروی انتظامی منطقه و دادگستری این مدعا را تأیید می‌کنند.

ورود صنعت نرخ آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، دزدی و فحشا پایین بوده، ناامنی اجتماعی در حداقل ممکن قرار داشته، سطح مناسبی از ارتباط اجتماعی میان مردم برقرار بوده، سطح نیازمندی‌های اقتصادی مردم محلی به خارج از منطقه (به استثنای نیاز به کشورهای حاشیه خلیج) اندک بوده، و تورم قیمت کالاهای اصلی مورد نیاز مردم در سطح قابل قبولی بوده است.

منطقه پارس جنوبی پیش از حضور صنایع گاز در یک دهه اخیر دارای هیچ‌گونه واحد صنعتی نبوده، زندگی به صورت طبیعی جریان داشته و از همین رو آلودگی زیست‌محیطی - در هوا و دریا - وجود نداشته است. به دلیل دورافتاده بودن منطقه، فقدان اهمیت استراتژیک اقتصادی و بافت روستایی آن، بخش‌های عسلویه و نخل تقی و روستاهای اطراف از حداقل امکانات شهری بهره داشته‌اند. آب آشامیدنی منطقه از چشمه‌های اطراف و آب‌های جاری از کوهستان که در آب انبارها ذخیره می‌شده، تأمین می‌شده است. هنوز هم بخشی از آب منطقه از طریق همین چشمه‌ها تأمین می‌شود.

به گفته مسئول جهاد کشاورزی، وزارت جهاد سازندگی از ابتدای انقلاب اسلامی کار برق‌رسانی به منطقه را آغاز کرده و منطقه به لحاظ دارا بودن برق مشکل خاصی نداشته است. البته بنا به گفته اهالی، پیش از ورود صنعت نیز برق از کیفیت خوبی برخوردار نبوده و ضمن قطعی‌های گاه‌به‌گاه، ضعیف نیز بوده است. وضعیت امکانات بهداشتی منطقه نامناسب و منطقه فاقد بیمارستان و آمبولانس بوده و خانه بهداشت عسلویه و نخل تقی از حداقل امکانات بی‌بهره بوده است. هم‌اکنون نیز خانه بهداشت این دو شهر فاقد پزشک هستند. این در شرایطی است که منطقه گرمسیری و با رطوبت بسیار بالا و مستعد بروز مالاریا است. منطقه فاقد شهرداری بوده و سیستم مناسب و منسجمی برای جمع‌آوری زباله‌ها وجود نداشته است. زباله‌ها نیز در دریا دفع می‌شده‌اند.

شهرها و روستاهای منطقه قبل از ورود صنعت فاقد خیابان‌کشی و همه‌کچه‌ها خاکی و فاقد آسفالت بوده است. جاده ارتباطی منطقه نیز که در امتداد نوار ساحلی کشیده شده، بسیار باریک و با پوشش نامناسب آسفالت بوده است. البته این جاده کماکان - با تغییرات بسیار اندک - به وضع سابق باقی مانده است. با این حال به دلیل تردد اندک در منطقه - پیش از ورود صنایع - همین جاده تصادفات و میزان بالایی از مرگ و میر و سوانح رانندگی ایجاد نمی‌کرده است.

به مانند بخش عمده‌ای از مناطق روستایی ایران، زمین و مسکن در عسلویه و نخل تقی نیز ارزش چندانی نداشته است. جمعیت اندک و فقدان مهاجرپذیری و شرایط نسبتاً نامساعد آب و هوایی منطقه قیمت زمین و مسکن را در سطح بسیار پایینی حفظ می‌کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مدیریت منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی در اولین سال‌های آغاز پروژه‌های صنعتی در منطقه، زمین‌ها را به

تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه

قیمت‌های بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ تومان خریداری کرده‌اند.^۱ همین نکته شاخصی از پایین بودن قیمت زمین در منطقه قبل از ورود صنعت است.

دو روستای نخل تقی و عسلویه پیش از ورود صنعت نیز دارای واحد آموزشی در همه سطوح تحصیلی از ابتدایی تا پایان متوسطه بوده‌اند. البته در سطح دبیرستان صرفاً رشته علوم انسانی وجود داشته است. نکته قابل توجه عقب‌ماندگی سطح امکانات و کیفیت آموزشی مدارس منطقه است. مدارس فاقد حداقل امکانات ساختمان و سرویس‌های لازم بوده و بخش عمده‌ای از کادر آموزشی مدارس از طریق نظام سرباز معلم تأمین می‌شده و مهیا نبودن امکانات ضروری برای حفظ معلمان باتجربه در منطقه، از عمده‌ترین مشکلاتی بوده که نظام آموزش و پرورش منطقه با آن مواجه بوده است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز به دلیل وجود نداشتن مراکز ارائه آن‌ها در منطقه، هیچ‌گاه وجود نداشته است. این چنین آموزش‌هایی نه تنها در عسلویه و نخل تقی بلکه در کنگان که شهر مهم این منطقه به حساب می‌آید نیز وجود نداشته است.

عسلویه، نخل تقی و روستاهای مجاور آن‌ها پیش از ورود صنعت فاقد هرگونه امکانات ساخته شده توسط انسان برای گذران اوقات فراغت بوده‌اند. سالن ورزش، امکانات تفریحی، پارک، زمین بازی، سینما، سالن تئاتر و موسیقی، کتابخانه و سایر تأسیساتی که برای گذران اوقات فراغت ضروری هستند در منطقه وجود نداشته است. شنا در دریا و انجام برخی بازی‌های بومی و محلی اصلی‌ترین راه گذران اوقات فراغت جوانان بوده است. فقدان امکانات لازم برای گذران اوقات فراغت در شرایطی که جمعیت منطقه در حد متعادلی بوده، تعداد زیادی مهاجر به منطقه وارد نشده و انبوهی از آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد در منطقه جایی نداشته‌اند، دشواری‌های زیادی ایجاد نمی‌کرده است. در ضمن به دلیل وجود نظام شغلی سنتی مبتنی بر کشاورزی، دامداری، صیادی و تجارت دریایی، بخش عمده‌ای از نیروی انسانی در این مشاغل جذب شده و زمان در دسترس به عنوان اوقات فراغت و میزان آسیب‌زایی ناشی از فقدان امکانات گذران اوقات فراغت اندک بوده است. هم‌چنین به دلیل برهم نخوردن شیوه سنتی زندگی، بالا بودن سطح ارتباطات اجتماعی مردم و وجود امنیت اجتماعی، حضور جوانان و بالخصوص زنان در معابر عمومی و برقراری ارتباط از این طریق برای گذران اوقات فراغت امکان‌پذیر بوده است.

عسلویه بعد از ورود صنعت

توسعه صنعتی و ایجاد مراکز فراوری گاز و انواع محصولات پتروشیمی از سال ۱۳۷۴ و پس از

۱. به نقل از اعضای شورای شهر عسلویه و بومیانی که زمین خود را فروخته بودند.

کشف ذخایر عظیم گازی در منطقه منطقه پارس جنوبی آغاز و فازهای متعددی برای پیشبرد این پروژه و رسیدن به سطوح بالاتری از بهره‌برداری از منابع گاز تعریف شده است. منابع گازی این منطقه ۸ درصد منابع گازی جهان و ۴۸ درصد منابع گاز ایران را شامل می‌شود. سرمایه‌گذاری عظیم در محیط اجتماعی کاملاً روستایی که قبل از این توصیف کردیم، مسائل عدیده‌ای که حاصل تعارض بین محیط اجتماعی توسعه‌نیافته و مظاهر صنعتی است به وجود آورد.

نیمرخ اجتماعی منطقه

در زمان انجام مطالعه - زمانی که قریب ۱۰ سال از آغاز فعالیت صنعتی در منطقه عسلویه می‌گذشت - نزدیک به ۷۰ درصد بومی‌های ساکن در عسلویه بی‌سواد یا دارای سواد ابتدائی؛ ۱۷/۳ درصد نیز کمتر از سوم راهنمایی؛ و تنها ۸ درصد دارای تحصیلات متوسطه بوده‌اند. نزدیک به ۳۰ درصد از پاسخگویان درآمدی کمتر از صد هزار تومان در ماه؛ ۳۲،۸ درصد درآمدی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان؛ ۱۷/۸ درصد درآمدی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان؛ ۸/۳ درصد درآمدی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان؛ و ۵/۳ درصد متوسط درآمد ماهیانه بالاتر از ۵۰۰ هزار تومان داشته‌اند. بیشتر افراد ساکن در شهر عسلویه درآمدی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان دارند. همچنین میانه درآمد آنها ۱۵۰ هزار تومان است، بدین معنا که نیمی از خانوارهای عسلویه بالای ۱۵۰ هزار تومان و نیمی دیگر کمتر از ۱۵۰ هزار تومان در ماه درآمد دارند و با نادیده گرفتن روستای بیدخون که متوسط درآمد آنها بالاتر از دیگر روستاهاست، متوسط درآمد بیشتر اهالی بین پنجاه تا صد هزار تومان است.

آمارهای رسمی دقیق درباره میزان بیکاری بومیان در عسلویه وجود نداشت. لیکن بر اساس بررسی پیمایشی نزدیک به ۸۰ درصد پاسخگویان عنوان کرده‌اند که بیکاری در میان مردم محلی بسیار زیاد است. هر دو نوع بررسی کمی و کیفی نشان دهنده آن است که درصد بیکاری ساکنان بومی منطقه زیاد است. بیش از ۶۴ درصد پاسخگویان خود را فاقد هرگونه مهارت فنی یا حرفه‌ای دانسته‌اند و تنها ۳۵/۸ درصد پاسخگویان عنوان کرده‌اند که در زمینه خاصی مهارت دارند. این گروه نیز انجام مشاغلی نظیر کشاورزی، رانندگی و بنائی را به عنوان حرفه و مهارت خود معرفی نموده‌اند.

به این ترتیب، شواهد - در زمان انجام تحقیق - حاکی از آن بود که مردم عسلویه عمدتاً افرادی بی‌سواد و کم‌سوادند که مهارت خاص و قابل استفاده در تأسیسات صنعتی ایجاد شده در منطقه ندارند. از لحاظ معیشتی نیز درآمد آنها اندک بوده و عمدتاً بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در ماه درآمد داشته‌اند. شغل آنان قبل از ورود صنعت عمدتاً کشاورزی، ماهیگیری و نقل و انتقال کالا بوده است، که پس از ورود صنعت هرکدام از این فرصت‌های شغلی به دلایل خاصی تضعیف شده بود.

امکانات و خدمات

مشاهدات نشان می‌داد که وضعیت برق ساکنان منطقه بسیار نامناسب است. با توجه به گرمای منطقه و استفاده از کولرهای پرمصرف، در ساعات زیادی از روز و شب برق ساکنان قطع می‌شد. در بررسی پیمایشی تنها ۱۵/۵ درصد اهالی وضعیت برق منطقه را رضایت‌بخش توصیف نموده‌اند.

وضعیت نامناسب آب آشامیدنی یکی از مسائل و مشکلات واضح و روشن مردم است. این منطقه کلاً از داشتن آب آشامیدنی محروم است و مردم برای تهیه آب آشامیدنی خود، به صورت جداگانه نسبت به خرید آب به قیمت لیتری صد تومان اقدام می‌نمودند. ۸۸/۲ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه رضایتی از وضعیت آب منطقه نداشته‌اند و تنها ۳/۵ درصد ساکنین وضعیت آب را رضایت‌بخش دانسته بوده‌اند. در زمان اقامت تیم تحقیق در منطقه، آب شرب دو شهر عسلویه و نخل تقی با دو تانکر حمل آب که روزی یک بار آب در شهر توزیع می‌کردند تأمین می‌شد.

ورود فعالیت‌های صنعتی به منطقه و بی‌توجهی به زیرساخت‌های مورد نیاز چنین صنعتی باعث شده است تا به تدریج مشکلات شهری جدیدی در منطقه ایجاد شوند. یکی از این مشکلات وضعیت نامناسب جاده‌ها در منطقه و افزایش یکباره ترافیک و تصادفات در منطقه است. آنچه که محققان مشاهده کردند حکایت از آن داشت که هیچ‌گونه استاندارد در احداث جاده‌ها رعایت نشده و با وجود ترافیک سنگین ناشی از نیازهای ترابری واحدهای صنعتی، تصادفات بسیاری در تنها جاده اصلی منطقه رخ می‌دهد. ۸۱/۵ درصد اهالی منطقه وضعیت جاده‌ها را بسیار نامناسب دانسته‌اند. به گفته یکی از اعضای شورای شهر عسلویه «به‌طور متوسط روزی ۱۰ تا ۱۲ مورد تصادف در منطقه داریم. برای این همه تصادف یک آمبولانس داریم که سرویس زایشگاه هم هست».

یکی از نکات قابل توجه در منطقه، کمبود گاز برای مصارف خانگی است. در ضمن انجام تحقیق، هر کپسول گاز با قیمت ۱۲۰۰ تومان و از شهرستان کنگان خریداری می‌شد. ۹۵ درصد پاسخگویان ناراضی کامل از وضع خدمات گاز در منطقه را اعلام کرده‌اند.

کل منطقه عسلویه در زمان انجام تحقیق در تابستان ۱۳۸۴، فاقد امکاناتی نظیر سینما، سالن ورزش، پارک و بقیه امکانات رفاهی برای گذران اوقات فراغت بود. تنها پارک منطقه واقع در پشت شهرداری عسلویه مدتی قبل از زمان انجام تحقیق و با نصب چند وسیله بازی کودکان و در زمینی خاکی که تا ساحل ادامه داشت تأسیس شده بود؛ پارکی که ساعت ۱۰ شب به بعد قریب ۲۰۰۰ کارتون‌خواب عسلویه فاصله پارک تا ساحل را اشغال می‌کنند و فاقد وسایل روشنایی است. ۹۳/۳ درصد پاسخگویان از فقدان اولیه‌ترین امکانات رفاهی و فراغتی در شهر ابراز ناراضی کرده بودند.

مسئول نیروی انسانی پتروشیمی برزویه^۱ که بزرگ‌ترین واحد پتروشیمی آروماتیک جهان است می‌گوید «هر عقل سالمی وقتی بخواند ۴۰ یا ۵۰ هزار نیروی کارگر را وارد چنین منطقه‌ای کند می‌فهمد که مسأله امنیتی، بهداشتی، روحی و روانی، فساد و اعتیاد دارد و باید جایی برای تفریح و سرگرمی باشد. این که دیگر به پرسشنامه و تحقیق احتیاج ندارد. مسأله این است که طرف می‌خواهد ۱۷ میلیارد دلار روی تأسیسات و سخت‌افزار سرمایه‌گذاری کند، حاضر نیست ۱ میلیاردش را روی ایجاد زیرساخت‌ها برای مهیا شدن شرایط زندگی انسانی که می‌خواهد این‌جا کار کند سرمایه‌گذاری کند».

عسلویه در زمان انجام تحقیق فاقد بیمارستان و تنها مرکز درمانی منطقه یک خانه بهداشت با یک پزشک و یک پرستار بود. درمانگاه وزارت نفت نیز در محوطه ساختمان‌های بخش مدیریت منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی قرار داشت و تنها قادر به ارائه خدمات ساده درمانی بود. به غیر از درمان‌های اولیه، بقیه مراحل درمانی از طریق اعزام بیماران به بوشهر در ۲۵۶ کیلومتری عسلویه انجام می‌گرفت.

انفکاک اجتماعی

به گواهی اکثر اهالی و همچنین مدیران و مسئولان، منطقه قبل از ورود صنعت در سطح بالایی از سلامت اخلاقی و اجتماعی بوده است. این در حالی است که بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها عنوان می‌نمودند امروزه و پس از ورود صنعت، آنچه که به وفور یافت می‌شود، مواد مخدر و مشروبات الکلی است که عمدتاً با هدف مصرف کارگران و کارکنان وارد می‌شود، اما اهالی را نیز آلوده کرده است. دیگر آسیب‌های اجتماعی مانند اخاذی و سرقت، قتل و فساد و فحشا نیز به منطقه وارد شده است و بسیاری از اهالی و همچنین مسئولین منطقه به آن اشاره می‌کردند. اگر چه تاکید بر این بود که کماکان مردم سلامت اخلاقی و اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند و آسیب‌ها کمتر به میان اهالی راه یافته، اما مشخص بود که این آسیب‌ها به تدریج در میان جوانان بومی در حال افزایش است و اگر وضع به همین منوال ادامه داشته باشد، زمانی چند نمی‌گذرد که این موضوع گسترش و شیوع خواهد یافت. اصولاً یکی از پی‌آمدهای اولیه ورود صنعت به بافت‌های اجتماعی سنتی، تضعیف این بافت‌ها و هنجارها و قواعد اجتماعی حاکم بر آن‌هاست و اگر نتواند هنجارهای اجتماعی جدیدی را جایگزینی هنجارهای قبلی سازد آن جامعه دچار آنومی و بی‌هنجاری خواهد شد و پس از گشایش اقتصادی که در منطقه رخ می‌دهد به تدریج بنیان‌های اجتماعی و اخلاقی سنتی تضعیف می‌شوند. در واقع به

۱. در اوایل تابستان سال ۱۳۸۶ این واحد پتروشیمی با حضور رؤسای جمهور ایران و ونزوئلا افتتاح شد.

تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه

تدریج که حضور گروه‌های اجتماعی مختلف با قواعد اجتماعی مختلف در سطح منطقه بیشتر می‌شود و ارتباطات بین‌گروهی افزایش می‌یابد، هنجارهای درون‌گروه به تدریج تضعیف می‌شوند.

گسترش روابط بین‌گروهی	←	تغییر قواعد و هنجارهای اجتماعی
گشایش اقتصادی	←	گشایش در حوزه اجتماعی
گشایش اقتصادی	←	گشایش در حوزه معرفتی
احساس محرومیت نسبی	←	کاهش زمینه وفاق
احساس محرومیت نسبی	←	انحرافات اجتماعی

تغییر در حوزه اقتصادی به تغییر در حوزه اقتصادی، اجتماعی و دگرگونی هنجارها و قواعد اجتماعی و همچنین تغییر و گشایش در حوزه معرفتی می‌انجامد (چلبی، ۱۳۷۵). از سوی دیگر با گشایش اقتصادی و حضور گروه‌های اجتماعی مختلف از دیگر مناطق کشور و وجود فرصت‌های اقتصادی جهت رشد و ارتقاء آن‌ها به تدریج سطح نابرابری زیاد می‌شود و شاهد فرایند تشدید «احساس محرومیت نسبی» از سوی بومیان خواهیم بود. نابرابری اجتماعی و احساس محرومیت نسبی نیز زمینه وفاق اجتماعی را کاهش و در تشدید انحرافات اجتماعی نقش ایفا خواهد کرد. در اینجا لازم است به این مورد اشاره شود که بسیاری از جامعه‌شناسان تأکید دارند که احساس نابرابری در ثروت به دو شکل ظاهر خواهد شد، اول تشدید انحرافات بویژه قتل و آدم‌کشی و دوم تضاد سیاسی و شورش‌های اجتماعی.

آنچه که در عسلویه رخ داده شامل همه فرایندهای محرک فوق است و در هر سه زمینه تشدید روابط بین‌گروهی و حضور گروه‌های اجتماعی مختلف و غریبه، نابرابری و احساس محرومیت و گشایش اقتصادی و در مجموع فعال شدن این محرک‌ها تحولاتی صورت گرفته است. در ادامه ضمن اشاره به هر کدام از تغییرات فوق به نتایج و پی‌آمدهای ایجاد این محرک‌ها اشاره خواهد شد.

عامل گروه‌های اجتماعی غریبه

عامل اولی که بر انفکاک اجتماعی تأثیر مستقیم دارد، حضور گروه‌های اجتماعی غریبه و برهم خوردن بافت اجتماعی ساکنین منطقه‌ای است که صنعت به آن پا می‌گذارد. بر اساس آمارهای مختلف حدود ۶۰ هزار کارگر و کارکن از سراسر ایران به عسلویه وارد شده‌اند. بر اساس مطالعه‌ای که ما در بخش کارکنان داشتیم، تقریباً از تمامی قومیت‌ها و شهرهای ایران افرادی بودند که برای اشتغال به این منطقه آمده‌اند.

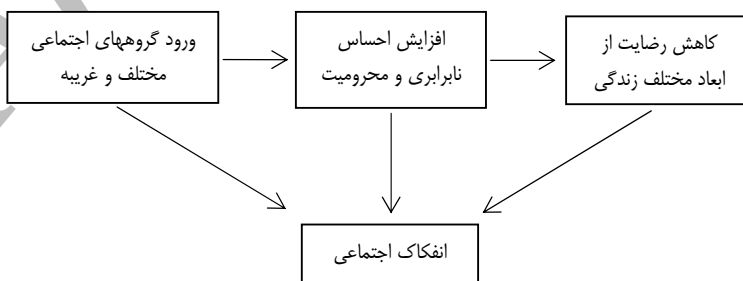
نکته‌ای قابل توجه این‌که که اغلب قریب به اتفاق کارکنان را مردان جوان مجردی تشکیل می‌دهند که به منطقه آمده‌اند. منطقه‌ای با جمعیت اولیه قریب ۳۰ هزار نفر با یک بافت قومی سنی و بسته و حضور ۶۰ هزار کارگر مجرد جوان از اقصی نقاط کشور، امکان تشدید انواع انحرافات و تضادها را ایجاد کرده است.

عامل نابرابری اجتماعی و احساس محرومیت

عامل موثر دیگر که در ایجاد انفکاک اجتماعی نقش مستقیم و مؤثر ایفا می‌کند احساس نابرابری و محرومیت است. ۷۹/۴ درصد اهالی خودشان را جزو طبقات پائین ارزیابی کرده‌اند. تنها ۲۳/۴ درصد پاسخگویان عنوان کردند که از درآمد خود رضایت دارند و ۴۶ درصد میزان درآمد خود را در حد کم و ۳۰/۹ درصد نیز در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. اگر متوسط درآمد بومی‌ها (۱۵۰ هزار تومان) را با متوسط درآمد کارکنان شرکتی حاضر در منطقه (۵۰۰ هزار تومان) مقایسه شود، نابرابری حاکم در منطقه مشخص می‌شود. در دیگر ابعاد زندگی نیز یافته‌ها نشانگر شدت نارضایتی بومی‌ها از وضعیت زندگی در زمینه‌هایی چون اشتغال و امکانات اساسی زندگی است و بالای ۷۰ درصد پاسخگویان در این زمینه‌ها احساس نارضایتی می‌کنند. این نارضایتی‌ها و احساس نابرابری در حالی است که تفاوت‌ها چندان مشهود نیست و به دلیل نبود مظاهری برای خرید، تفریح و زمینه‌هایی برای ظهور و بروز نابرابری عملاً همه در یک وضعیت در منطقه زندگی می‌کنند. در مجموع می‌توان تاثیر عوامل فوق را به صورت شکل ۱ ترسیم کرد.

یافته‌های پژوهش در حوزه انفکاک اجتماعی

در کل ۶۲/۲ درصد پاسخگویان میزان سرقت و دزدی را در منطقه خود زیاد و بسیار زیاد ارزیابی نموده‌اند و محل سکونت خود را از این لحاظ غیرمناسب ارزیابی می‌کنند. در مصاحبه‌هایی که در منطقه انجام شد بسیاری از مردم محلی حتی از سرقت حیوانات و احشام خود خبر داده‌اند که البته عامل آن‌را کارگران غیربومی می‌دانند که در جستجوی کار وارد منطقه شده‌اند.



نمودار شماره ۱: عوامل موثر بر انفکاک اجتماعی

ورود کارگران غیربومی از مناطق مختلف کشور که اکثر آن‌ها از سطح سواد پایینی نیز برخوردار هستند، باعث ایجاد مشکلات فراوانی در منطقه شده است. اخاذی و زورگیری یکی از آن‌ها است که در جریان مصاحبه با مردم بومی مورد اشاره قرار می‌گرفت. داده‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۳/۸ درصد) میزان اخاذی و زورگیری را در منطقه زیاد می‌دانند و بر این باور هستند که وضعیت منطقه نامناسب است. همچنین ۱۶/۸ درصد نیز اخاذی و زورگیری را در منطقه در حد متوسط و ۴۵/۱ درصد نیز میزان وقوع این مسأله را در محل سکونت‌شان کم ارزیابی نموده‌اند.

محیط‌های صنعتی که با حضور انبوه کارگران کم‌سواد و غیربومی شکل می‌گیرند و برنامه‌ریزی مناسبی نیز جهت مدیریت آن‌ها صورت نمی‌گیرد، سریعاً به محیط‌های جرم‌زا و خطرناک تبدیل می‌شوند و انواع بزه‌ها و انحرافات اجتماعی به سرعت دامن‌گیر این اجتماعات می‌شود. دعوا و درگیری و وقوع قتل از جمله انواع جرایمی هستند که در این محیط‌ها رشد می‌کنند.

برای بررسی میزان وقوع قتل در منطقه می‌شد به داده‌ها و اعداد واقعی رجوع کرد، اما در این جا ارزیابی ذهنی پاسخگویان مورد توجه بود. بالتبع ممکن است پاسخ‌های آنان با واقعیت همخوانی نداشته باشد اما نشانگر احساس و برداشت آن‌ها از واقعیت است، که این برداشت در اثر اخبار و اطلاعاتی شکل می‌گیرد که مدام به آن‌ها می‌رسد. برداشتی که نقش ویژه‌ای در دیگر کنش‌های فرد دارد. داده‌ها نشان می‌دهند که نزدیک به یک چهارم پاسخگویان میزان وقوع قتل در منطقه سکونت‌شان را زیاد یا بسیار زیاد ارزیابی می‌نمایند که رقم بالایی است. در مجموع می‌توان گفت که قتل یکی از جرایم اجتماعی است که در منطقه در حال گسترش و یکی از عوامل جدی احساس ناامنی در منطقه است.

مردم در جریان مصاحبه وضعیت منطقه را از لحاظ فقدان اعتیاد و مواد مخدر قبل از ورود صنعت بسیار خوب ارزیابی می‌کردند. در حالی که در حال حاضر در سطح برخی خیابان‌ها و محلات به صورت علنی به خرید و فروش انواع مواد مخدر پرداخته می‌شود و با حضور بیش از پنجاه هزار نیروی کار دور از خانه، عسلویه به یکی از بازارهای فروش مواد مخدر بدل شده است و بسیاری از افراد، دقیقاً با هدف همین شغل وارد منطقه شده‌اند. همان‌طور که در جدول ۱ نیز ملاحظه می‌شود نزدیک به ۸۰ درصد پاسخگویان عنوان کرده‌اند که منطقه از لحاظ وجود معتادین و خرید و فروش مواد مخدر در وضعیت بسیار نامناسبی قرار دارد و میزان اعتیاد در سطح منطقه زیاد است.

جدول شماره ۲: توزیع نمونه بر حسب ارزیابی وضعیت منطقه از لحاظ رواج انواع آسیب‌های اجتماعی^۱

میزان رواج پدیده	سرقت و دزدی	اخاذی و زورگیری	دعوا و درگیری	قتل	اعتیاد و فروش مواد مخدر	الکلی مصرف مشروبات	فحشا
خیلی زیاد	۳۳/۱	۱۳/۸	۳۴/۱	۸/۳	۵۸/۹	۱۸/۳	۹
زیاد	۳۹/۱	۲۲/۸	۲۱/۱	۱۶	۲۰/۶	۳۷/۶	۱۸/۸
کم و بیش	۱۳/۸	۱۶/۸	۱۸/۳	۸/۳	۷/۸	۱۶/۵	۱۸
کم	۲۱/۸	۳۵/۳	۲۰/۳	۴۰/۹	۹	۲۶/۶	۳۸/۱
خیلی کم	۲/۳	۹/۸	۶	۱۶/۸	۲/۸	۵/۵	۱۳
نمی‌دانم	۰	۱/۵	۰/۳	۱/۸	۱	۵/۶	۳/۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

اضافه بر معضل اعتیاد، در طی سال‌های اخیر مصرف مشروبات الکلی و خرید و فروش آن در منطقه نیز رو به افزایش نهاده است و با ورود کارگران غیربومی و همچنین کارگران و مهندسان خارجی و فشارهای روانی و همچنین فقدان سیستم‌های کنترلی ناشی از دوری از خانواده به همراه مواد مخدر مصرف مشروبات الکلی نیز زیاد شده است.

فحشا از دیگر آسیب‌های اجتماعی است که به سرعت در محیط‌های صنعتی خشنی چون عسلویه که افراد از خانواده خود دور هستند و هیچ‌گونه تفریح سالمی نیز ندارند، رشد می‌کند. امری که به سرعت دامن‌گیر بومیان منطقه که افراد متعصبی نیز هستند می‌شود. بسیاری از مردم محلی منطقه داستان‌هایی را از حمله کارگران به دختران در حال تردد نقل می‌کردند که هول و هراس آن‌ها را دو چندان می‌کرد. این در حالی است که ورود هر روزه کارگران، کنترل این مسأله را برای بومی‌ها دشوار می‌ساخت.

علی‌رغم آن‌که در مصاحبه‌ها اشاراتی به پدیده فحشا وجود دارد، و حتی برخی درباره شدت آن سخن می‌گویند، اطلاعات پژوهش پیمایشی نشان می‌دهد که بعید است میزان فحشا در سطحی باشد که ادعا می‌شود. اولاً، راه ورود زنان غیرمحلی به منطقه بسیار محدود است. با توجه به تعصب مذهبی

۱. مصاحبه‌های انجام شده با مدیران نهادهای قضایی، انتظامی و امنیتی منطقه، نگرش‌های مردم نسبت به میزان رواج هر یک از آسیب‌های اجتماعی در منطقه عسلویه را تأیید می‌کند.

و ویژگی‌های اخلاقی بومیان، اسکان این‌گونه زنان در درون شهرها و روستاهای منطقه نیز دشوار به نظر می‌رسد. اشتغال زنان و دختران محلی به این امر نیز بسیار بعید به نظر می‌رسد. مردان بومی از رفت و آمد ساده زنان و دختران خود در کوچه و بازار اجتناب می‌کنند. لذا بعید است که سطح پدیده فحشا به اندازه میزان ادعا شده باشد.

نتیجه‌گیری

در شرح وضعیت عسلویه قبل از ورود صنعت نشان دادیم که این منطقه بسیار توسعه‌نیافته بوده است. بعد از ورود صنعت و قریب ۱۰ سال اجرای پروژه‌های صنعتی در این منطقه که سبب هزینه کردن چند ده میلیارد دلار سرمایه در این منطقه شده است، کماکان زندگی بومیان، زیرساخت‌های عمومی و شرایط کلی زندگی بیرون از مجتمع‌های صنعتی کاملاً توسعه‌نیافته باقی مانده است. به عبارتی توسعه صنعتی سهمی در بهبود زندگی بومیان و ایجاد زیرساخت‌های عمومی توسعه نداشته است. در عوض پی‌آمدهای ناگوار اجتماعی این توسعه صنعتی بر مردم تحمیل شده است.^۱ بروز این وضعیت به معنای نقض شدن شرایط پایداری طرح‌های توسعه و توسعه فرهنگ‌گراست. بررسی صورت گرفته نشان می‌دهد:

۱. سطح امکانات و خدمات ارائه شده به بومیان منطقه، قبل و بعد از اجرای پروژه‌ها، تغییر محسوسی نداشته و از همین‌رو منافع کوتاه‌مدت طرح‌ها برای بومیان ناچیز بوده است. در عوض انواع عوارض و دشواری‌های دیگر نظیر تورم، بروز آسیب‌های اجتماعی، شلوغی محیط زندگی، برهم خوردن شبکه روابط و امنیت اجتماعی برای بومیان ایجاد شده است.

۲. به علت از بین رفتن فرصت‌های شغلی سنتی و معمول در منطقه و نداشتن مهارت‌های فنی، پدیده بیکاری بومیان ایجاد شده و بومیان از آشکارترین منفعت کوتاه و بلندمدت استقرار صنایع بی‌بهره مانده‌اند.

۳. توسعه صنعتی و سرازیر شدن سرمایه‌ها نه تنها سطح خدمات‌دهی به مردم بومی را افزایش نداده است بلکه مستقر شدن تأسیسات و سازمان‌هایی جهت استقرار پارسنل نفت و آمدن تکنولوژی‌های جدید همانند نورا فکنی پر قدرت سطح نابرابری‌ها و شکاف اقتصادی را برای مردم

۱. این اظهار نظر به هیچ وجه به معنای ضرورت نداشتن توسعه صنعتی، مخالفت با احداث تأسیسات صنعتی و گزینه‌های مشابه نیست. اذعان به وضعیت نامناسب توسعه عمومی در منطقه صرفاً بیانگر باور به ضرورت فراتر رفتن از توسعه صرفاً صنعتی و توجه داشتن به شرایط عمومی توسعه پایدار است.

بومی نمایان ساخته و اگر تا دیروز نداشتن گاز امری طبیعی و عادی بود، اما فقدان گاز در پایتخت گاز جهان برای بومیان دشوار است. از همین رو احساس نابرابری تشدید شده و رضایت از زندگی به شکل آشکاری تهدید شده است.

۴. سیل مهاجرت کارگران مجرد و نبود امکانات و برنامه‌ریزی جهت انتقال خانواده‌ها نیز به بحران‌های اجتماعی موجود در منطقه دامن زده و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در منطقه گسترش یافته است. در ضمن تورم ناشی از حضور انبوه نیروی کار و مصرف کالاها در منطقه، سبب ایجاد دشواری‌های بسیار برای مردم منطقه شده است.

۵. بعد از ۱۰ سال که آغاز فعالیت صنعتی در عسلویه می‌گذرد، فقدان در نظر گرفتن امکانات آموزش فنی و حرفه‌ای سبب شده است تا سطح توان و مهارت نیروهای بومی برای اشتغال در صنایع ارتقا نیابد و از همین رو بومیان نتوانسته‌اند از مواهب توسعه صنعتی در منطقه بهره‌مند شوند.

۶. از آن‌جا که در توسعه صنعتی عسلویه صرفاً وزارت نفت به عنوان مجری یا کارفرمای طرح‌ها نقش اصلی را ایفا کرده، مقوله برنامه‌ریزی فرابخشی به فراموشی سپرده شده و بقیه سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی از ارائه خدماتی متناسب با بار تحمیل شده به منطقه شانه خالی کرده‌اند. نتیجه این وضعیت، توسعه نیافتگی کلی منطقه است. کماکان بعد از قریب ۵ دهه تجربه توسعه صنعتی در ایران، هنوز ایجاد تأسیسات صرفاً با رویکردی فنی و بدون ملاحظه کردن برنامه‌ریزی فرابخشی صورت می‌گیرد.

۷. اگرچه به نظر می‌رسد بومیان منطقه قربانیان اولیه این وضعیت هستند، اما نگاهی کلان‌نگر و شواهد تجربی نشان می‌دهد این وضعیت به کاهش سطح پایداری انسانی طرح‌های نیز انجامیده است. بررسی ما نشان می‌دهد کارکنان واحدهای صنعتی در شرایط روحی نامناسبی به سر می‌برند، از آوردن خانواده‌های خود به منطقه امتناع می‌کنند، شرایط زندگی در منطقه را نامناسب دانسته و برنامه‌ای برای اقامت طولانی در عسلویه ندارند. بنابراین در درازمدت نیروی انسانی مناسب و باانگیزه در بین غیربومیان وجود نخواهد داشت و زیرساخت‌های لازم برای تربیت چنین نیرویی در بین بومیان نیز ایجاد نشده است.

تجربه توسعه صنعتی در عسلویه اگرچه از نظر اقتصادی ملی موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسد اما از نظر اجتماعی و فرهنگی با دشواری‌های بسیار روبه‌رو است. هیچ یک از صورت‌های جلب مشارکت به صورت واقعی در این منطقه به کار گرفته نشده‌اند و روی هم رفته مردم محلی در مقابل آنچه از دست داده‌اند چیز زیادی به دست نیاورده‌اند و توسعه صنعتی سبب زدودن چهره فقر و محرومیت از

منطقه نشده است. اگرچه فراورده‌های تولیدی و دلارهای حاصل از احداث تأسیسات سبب ثروتمند شدن برخی افراد در مرکز کشور شده است ولی در نهایت توسعه صنعتی در عسلویه به گسترش شکاف مرکز-پیرامون در کشور دامن زده است.

منابع

- Boelens, Rutgerd. (2002) "Water Rights and Participatory Irrigation Development: The Case of Licto, Ecuador". www.iapad.org/publications/ppgis/BoelensLicto3DWaterRights.pdf.
- Burdge, Rabel J. and Robertson, Robert A. (1998) "Social Impact Assessment and The Public Involvement Process". Pp. 183-192. in Rabel J. Burdge. A Conceptual Approach to Social Impact Assessment. Social Ecology Press.
- Carley, Michael J. & Bustelo, Eduardo S. (1984) Social Impact Assessment and Monitoring: A Guide to the Literature. Westview Press.
- Cernea, Michael M. Hydropower Dams and Social Impacts: A Sociological Perspective. World Bank. 1997.
- Davis, Jennifer. & Whittington, Dale. (1998) "Participatory Research for Development Projects: A Comparison of Community Meetings and Household Survey Techniques". Economic Development and Cultural Change, Vol. 47, No. 1, Pp. 73-94.
- Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment. (1994) "Guidelines and Principles for Social Impact Assessment." U.S. Department of Commerce, National Oceanic and Atmospheric Administration (NOAA). www.nmfs.noaa.gov/sfa/social_impact_guide.htm.
- Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment. (1995) "Guidelines and Principles for Social Impact Assessment." Environment Impact Assessment Review, Vol. 15, Pp. 11-43.
- Johnson, Nancy., et al. (2001) User Participation in Watershed Management and Research. International Food Policy Research Institute.
- Paul, Samuel. (1987) Community Participation in Development Projects: The World Bank Experience. World Bank.
- Picciotto, Robert. (1992) Participatory Development: Myths and Dilemmas. World Bank.
- Western, J. and Lynch, M. (2000) "Overview of the SIA Process". Pp. 35-62. in Laurence R. Goldman. Social Impact Analysis: An Applied Anthropology. Berg.